

## جهانی شدن و اینترنت: مقایسه تجربیات خاورمیانه و مالزی

از تویی ای. هوف

مترجم: علی رستمی

میدل ایست جورنال جلد ۵۵، شماره ۲

تابستان ۲۰۰۱

جهانی شدن و نوگرایی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. تلاش برای نوگرایی آموزش، تجارت و حکومت همگی به شیوه های تازه ای از ارتباطات جهانی و تسلط بر آنها پیوند خورده اند. در همان حال، جهانی شدن مستلزم اتخاذ معیارهای بین المللی، به ویژه بازبودن در زمینه های ارتباطات، بازرگانی و دولت، همچنین مهندسی و علوم است.

افزون بر آن، شناخت این امر اهمیت دارد که جهانی شدن از دیدگاه داد و ستد و بازرگانی به سه جریان سخت و دشوار جهانی شدن ارتباطات، جهانی شدن بازارهای کار و کالا، و شبکه ای کردن رایانه ها (چه در شرکتها و یا بین شرکتها در سطح ملی و بین المللی) بستگی دارد. گرچه انقلاب ارتباطاتی حول محور سیستم

ارتباطات راه دور قرار دارد، اما نباید تأثیر شگرف اختراع هواپیمای پهن پیکر را بر جابه جایی سریع انسان و بار در سراسر جهان فراموش کنیم. با وجود چنین وسایلی فاصله رسیدن هربار تا مقصد در سراسر جهان در طول ترین مدت خود تنها ۲۴ تا ۳۰ ساعت است که مدت زمانی بسیار کمتر از زمان حمل و نقل کالا در ایالات متحده با قطار یا کامیون است بدین ترتیب، همه بازارها - کار و کالا - را می توان «بومی» تلقی کرد. یک تولیدکننده می تواند ماده خام را از سراسر جهان به سهولت سفارش دهد، و همچنین بازارهای کار نیز با یک پرواز ۲۴ ساعته در دسترس خواهند بود. بازارهای مالی نیز بخشی از این فرایند ارتباطات جهانی به شمار می روند.

به هر حال، اختراع نامبر، پست الکترونیک و دیگر شکل های ارتباطات الکترونیکی نیز از جمله ابزارهایی هستند که مورد توجه قرار گرفته اند؛ زیرا اکنون می توان در چند ثانیه و با بخش ناچیزی از هزینه های روزانه یک کارگر با هر نقطه ای از جهان ارتباط برقرار کرد.

با شبکه ای کردن رایانه ها در سراسر

جهان (Web)، تقریباً همه معاملات بازرگانی را می‌توان الکترونیکی کرد. حتی با صرف نظر کردن از Web، باید توجه داشت که خرده‌فروشان و عمده‌فروشان می‌توانند با استفاده از نمایر و رایانه‌ها سفارشها را ارسال و دریافت کنند. معاملاتی که انجام آنها در گذشته براساس زمان لازم برای نوشتن سفارش، پست کردن و ارسال آن به هر نقطه‌ای از جهان چندین روز طول می‌کشید، اکنون در چندثانیه یا دقیقه انجام می‌شود. افزون بر آن، با حرکت به سوی انجام این معاملات از طریق Web، مفهوم آشکار آن است که داد و ستد سراسر جهان یا باید وارد دنیای Web و اینترنت شود، یا از لحاظ اقتصادی در حاشیه قرار گیرد. از این رو، انقلاب ناشی از شکل‌های جدید ارتباطات پیامدهای مهم و اجتناب‌ناپذیری را برای همه کشورهای جهان داشته است. مرحله تازه جهانی شدن بیانگر اموری است که با تحلیل‌های قبلی درباره «نظام جهانی» تفاوت کیفی دارند. توصیف رولاند رابرتسون از مرحله کنونی به عنوان تغییر شکل جهان به صورت «یک مکان واحد» کاملاً هم‌خوانی دارد. به تشخیص مانوئل کاستلز،

«ظهور جامعه شبکه‌ای» نیز به همان اندازه ارزشمند است. به هر حال، از آنجا که کشورهای مسلمان مدتهاست خود را بخشی از یک جهان بینی یگانه تلقی می‌کنند و شیوه زندگی جداگانه‌ای از جهان غیرمسلمان دارند، پیدایش اینترنت به عنوان ابزار مهم ارتباطاتی مسایلی برای آنها پدید آورده است. ماهیت این مسایل تنها، و اغلب، مذهبی نیستند، بلکه سیاسی و اقتصادی نیز می‌باشند. یعنی اینترنت مستلزم نظام ارتباطاتی باز و نامحدود است که بسیاری از کشورهای مسلمان آن را از لحاظ اقتصادی یا سیاسی مخاطره‌آمیز تصور می‌کنند. برای نمونه، بسیاری از حکومتها در سراسر جهان آمادگی ندارند که همه کانال‌های ارتباطی را که به اینترنت داده شده بگشایند. کلمنت هنری در اشاره به حکومت‌های مختلف درباره خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، که از جریان آزاد اطلاعات اقتصادی بیم دارند، و وضع موجود از رشد اقتصادی آنها جلوگیری می‌کند، واژه «اطلاعات شرم‌نده» را اختراع کرده است. پروفیسور هنری وضعیت پیچیده حوزه «عمومی» در برابر «خصوصی» در این منطقه را چنین توصیف می‌کند:

حتی تمیزدادن بین بخش‌های «عمومی» در برابر خصوصی در بیشتر کشورهای این منطقه دشوار است، ممکن است مسئولان بخش عمومی، اطلاعات کمتری از بازیگران خصوصی داشته باشند که در ظاهر دارای روابط شخصی نزدیکتری با مسئولان دولتی هستند، و بیشتر اطلاعات اقتصادی، و همچنین سیاسی را به مردم و حتی مسئولان دولتی اطلاع نمی‌دهند. تحت این شرایط، به احتمال اصلاحات سیاسی به صورت پیش شرطی برای توسعه مستمر اقتصادی تلقی خواهد شد. از این منظر، به خوبی آشکار است که پیدایش اینترنت و شبکه جهانی (Web) [به نحوی بنیادی] دنیای ارتباطات را تغییر داده و فشارهای شدید و تازه‌ای را بر رژیم‌های «اطلاعات شرمنده» وارد می‌کند. این رژیم‌ها به منابع بین‌المللی سرمایه‌گذاری وابسته‌اند. آنها تنها با شفاف کردن بازارهای داخلی خود برای سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند سرمایه‌های مورد نیاز را برای شرکتهای خود به دست آورند. چون صحنه جهانی اکنون جایگاه شبکه یکپارچه‌ای از ارتباطات تقریباً فوری شده است، اینترنت

پایه‌های الکترونیکی اقتصاد اطلاعات پایه را ریخته و شفافیت نسبی ارزش مالی همه رژیم‌های ملی را کنار هم قرار داده است. چون طراحان اولیه اینترنت سیستمی ارتباطاتی ایجاد کرده‌اند که حتی از حمله موشکی نیز مصون باشد، احتمال عملی و درازمدت از کار افتادن شبکه جهانی برای کاربران تقریباً صفر است.

خلاصه اینکه حضور اینترنت می‌تواند سیاست و بازرگانی را تغییر دهد و اثر مهمی بر امور دولتی و اقتصادی در کشورهای رو به رشد، خواه مسلمان و خواه غیرمسلمان، به جا بگذارد.

بنابراین، بررسی و اکنش‌های جایگزین نسبت به پیدایش اینترنت و به کارگیری آنها از سوی کشورهای مسلمان آموزنده خواهد بود. به هر حال، ابتدا بهتر است به بررسی وضعیت کنونی توسعه اینترنت در خاورمیانه، شمال آفریقا و بقیه جهان پردازیم. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنیم، خاورمیانه و شمال آفریقا اکنون حتی در توسعه زیر ساختار اینترنت از آفریقای جنوب صحرا نیز عقب مانده‌اند. از این گذشته، بیشتر کشورهای عضو MENA<sup>(۱)</sup> در گروه

اقتصادهای با سطوح درآمدهای کم و متوسط قرار گرفته اند. در مقایسه با میانگین جهانی ۱۲۰ کاربر در هر ۱۰۰۰ نفر، توسعه در کشورهای MENA بسیار کمتر است. اگر به تازه ترین گزارش توسعه سازمان ملل برای کشورهای عرب رجوع کنیم، در می یابیم که در هر ۱۰۰۰۰ نفر ۱,۳۰ کاربر اینترنت وجود دارد، و اگر امارات متحده عربی را نیز به آن بیفزاییم، سطح توسعه کمی بالاتر می رود. به عبارتی میزان رشد در این مناطق به مراتب کندتر از دیگر مناطق جهان است. برای نمونه، اگر نرخهای رشد در فاصله سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ MENA را با نرخهای رشد جهانی و برای کشورهای کم و متوسط درآمد جهانی مقایسه کنیم، در می یابیم که در هر دو مورد، کشورهای عضو MENA به نحو چشمگیری عقبتر هستند، برای نمونه، بین ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ شاخصهای جهانی کاربران اینترنت ۲۴۵ درصد (از ۳۴,۷۵ کاربر در هر ۱۰۰۰ نفر به ۱۲۰ کاربر در هر ۱۰۰۰۰ نفر) افزایش یافته است، در حالی که کاربران در MENA تنها ۱۴۰ درصد (از ۲۳ درصد به ۵۵ درصد کاربر در هر ۱۰۰۰ نفر) افزایش

داشته است.

در جدول شماره ۲، میزان رشد اینترنت را در کشورهای مختلف شمال آفریقا و خاورمیانه مشاهده می کنید. در آن منطقه، کشور نفت خیز دارای بالاترین نسبت کاربر اینترنت است، در حالی که ترکیه که ذخایر سرشار نفت ندارد، در مکان دوم قرار گرفته است. با وجود این، پیشگامان خاورمیانه باز هم عقبتر از مالزی، با ۲۵,۴۳ کاربر اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر قرار دارند.

به عبارتی گرچه رشد اینترنت در کشورهای MENA سریعتر شده، ولی آمار جدید نشان می دهد که موانع متعددی از رشد اینترنت در جهان مسلمان جلوگیری کرده است. این موانع فراتر از عوامل اقتصادی است و مسایل فناوری، سیاسی و همچنین اخلاقی و احساسات مذهبی را در بر می گیرند.

همان گونه که اشاره شد، این موانع دارای ریشه های عمیق فرهنگ سیاسی در امور مربوط به دسترسی عمومی به بحث آزاد پیرامون منافع عمومی، برنامه های اخلاقی و سرنوشت های جمعی بدون ترس از اقدامات

تلافی جویانه باز می‌گردد. در پاره‌ای موارد مسایل در دسرساز بین المللی وجود دارد؛ به عنوان مثال: در ژانویه ۲۰۰۰، سوریه حتی یک تأمین‌کننده خدمات اینترنت (ISP) نداشت، گرچه یک برنامه آموزش رایانه توسط پرزیدنت حافظ اسد راه اندازی شده بود. انجمن رایانه به ریاست بشار اسد، پسر حافظ اسد که اکنون رییس جمهوری سوریه شده است، در دمشق وجود داشت. وی آشکارا قول داده است که اینترنت را در دسترس همه سوری‌ها قرار دهد. در این بین، سوری‌هایی که می‌خواهند به اینترنت دسترسی داشته باشند مجبور شده‌اند به یک اقدام غیر قانونی بین المللی دست بزنند و از طریق اینترنت لبنان، به آن دسترسی پیدا کنند.

یکی از دلایلی که سوریه سرویس‌دهنده ISP نداشت این است که سوریه در فهرست کشورهای حامی تروریست دولت آمریکا قرار دارد، از این رو اجازه ندارد از شرکتهایی مانند «سیسکو سیستم» (Cisco System) راهبرهای اینترنت خریداری کند. افزون بر آن، جو حاکم پنهان کاری که سوریه را در بر گرفته، آنچنان

شدید است که بازیگران عمده‌ای که بر توسعه اینترنت مدیریت دارند شناخته نیستند.

البته سوریه پایه صفر (Grond Zero) توسعه اینترنت در خاورمیانه به شمار می‌رود، و نمی‌تواند معرف چیزی باشد، ولی می‌تواند بسیاری از مشکلات را در راه توسعه اینترنت در خاورمیانه افشا کند. در آن سوی MENA، مغرب‌سیمای متفاوتی ارایه می‌دهد. این کشور زیر ساختار جدید اینترنتی برقرار کرده که حاوی مسایل اقتصادی و منبع درآمدزایی است. طی چند سال اخیر، دولت ۸۰۰۰ کیلومتر فیبر نوری بین شهرهای بزرگ و در پاره‌ای موارد، در محله‌های شهرها، کار گذاشته است. با اتخاذ این راهکار، دولت از طریق تله‌کوم مغرب، مالکیت اصلی سیستم ارتباطات راه دور را در اختیار گرفته و خطوط آن را به شرکتهای خصوصی که تمایل و توانایی ارایه خدمات اینترنتی را دارند، اجاره می‌دهد. به هر حال، دولت حقوق مخابرات تلفن سلولی را به کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران بین الملل با نام مدیتیل (Mediteil) فروخته است. در حال حاضر مراکز متعدد اینترنت در مغرب وجود

دارد که خدمت خود را در ازای ساعتی ۱۰ دلار آرایه می کنند. این مبلغ در مقایسه با مالزی در ۱۹۹۹، گران است. علاوه بر آن، تولید سرانه ناخالص داخلی مغرب حدود ۴۰ درصد مالزی است.

دولت مغرب به خوبی از مشکلات نیروی انسانی موجود در زمینه اینترنت که ناشی از کوتاهی دانشگاهها در تربیت کاربران آموزش دیده فناوری اطلاعاتی و رقابت شدید برای چنین کارگران آگاه است و همین امر است که منجر به «فرار مغزها» از مغرب و دیگر کشورها می شود. دولت برای رویارویی با این مشکل در مؤسسه جدید، کنفدراسیون عمومی شرکتهای مغربی (CGEM) و دفتر کاربران حرفه ای و پیشبرد کادر (OPFPT) را تأسیس کرده است. CGEM برنامه ای برای فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهها و کسانی که به آموزش در حوزه فناوری اطلاعاتی علاقه مند باشند، راه اندازی کرده است و به آنها حقوق ناچیز و سرمایه اولیه ای برای تأسیس مکانهایی برای خدمات اینترنتی داده می شود و انتظار می رود که پس از دو سال آنها به خود کفایی برسند. اگرچه این سیاست به اندازه کافی

منطقی به نظر می رسد، ولی شگفت آور این است که نرخ کاربران اینترنت در مغرب بسیار اندک است. تردیدی نیست که علت اصلی، میزان بالای بی سوادی در مغرب و این واقعیت است که درصد بالایی از جمعیت همچنان در روستاها در فقر شدید زندگی می کنند.

بین افراط و تفریط سوربه و مغرب در امر اینترنت، کشور تونس قرار دارد که رشد اینترنتی آن نیز بسیار آهسته است. اما مسئولان دولتی با علاقه فراوان، ولی به طور شفاهی، از رشد اینترنت حمایت می کنند و حتی مدعی هستند که تونس نخستین کشور آفریقایی است که سه ماه پیش از آفریقای جنوبی به اینترنت وصل شده است. ولی ارقام جدول ۲ نشان می دهد که سهم تونس از اینترنت بسیار ناچیز است. دولت تونس، همچون بسیاری از دولتهای دیگر، نسبت به ایجاد فضای عمومی باز که در آن مخالفان سیاسی و مذهبی بتوانند پیروان خود را بسیج کنند، عصبی است. هنگامی که موضوع تأمین کنندگان خدمات اینترنت برای تونس در چند سال پیش مطرح شد، دولت خواستار تضمین ISP ها در این مورد شد تا

آنچه از طریق شبکه (web) ارسال می شود، مستهجن نبوده یا از لحاظ اخلاقی با ارزشهای تونس مغایرت نداشته باشد و در عین حال همه رایانه های شبکه ای تحت نظارت دقیق قرار گرفتند که دیده بان حقوق بشر با آن مخالفت ورزیده است.

صرف نظر از مسئله نظارت بر هر رایانه، آشکار است که موضوع اصلی در رشد اینترنت، کنترل بر سیستم ارتباطات راه دور است. در کشورهای روبه رشد، دولتها اغلب مالک زیر ساختار هستند و دولت به ویژه در این زمینه مایل نیست آن را خصوصی کند؛ زیرا در آن صورت، دولت دیگر کنترلی بر هسته های (Nodes) مخابراتی به داخل و خارج کشور نخواهد داشت. از این رو، تونس، در ژانویه ۱۹۹۹ تنها دارای سه هسته مخابراتی به داخل و خارج از کشور بود (دو تا در شهر تونس و یکی در سفاکس) و اینها نیز تحت نظارت دولت و Server های قایم مقام آن قرار داشتند. حتی استفاده از اینترنت در دانشکده ای در دانشگاه تونس، که دانشجویان دسترسی کامل به آن ندارند، کافی است تا سیستم به حال تعطیل درآید. شاید عربستان سعودی نیز مورد

ویژه ای باشد که در آن نرم افزاری برای جلوگیری از دسترسی به سایتهای اینترنت نصب شده است و برنامه ریزانی استخدام شده اند تا دسترسی به سایتهای اینترنت را که به دلایل اخلاقی ممنوع هستند، ناممکن سازند. جدول ۲ نشان می دهد که به رغم ثروت عربستان سعودی، دسترسی به سرورهای اینترنت بخشی از این ثروت به شمار نمی رود.

یکی از نکته های اصلی این پرسش است که آیا دولت مرکزی یا گروههای خصوصی ذی نفع باید مسئول توسعه زیر ساختار اینترنت باشند. ساختن زیر ساختار اینترنت، تلاشی هزینه بر است و اغلب دولتها در جهان رشد نیافته توانایی تأمین آن را ندارند. با وجود این، اگر آنها برای جذب منابع شرکتهای خصوصی، سیستم ارتباطات راه دور را خصوصی سازند، در آن صورت کنترل خود را بر رشد اینترنت از دست می دهند. اما مهمتر از آن، آنها کنترل جریان کلی اطلاعات را از دست خواهند داد و همراه آن، کنترل بر همه جنبه های اجتماعی در امور داد و ستدی را که به جریان آزاد اطلاعات بستگی دارد، از دست

می دهند. شاید راه حل مغرب برای دیگر دولتها آرمانی به نظر برسد، ولی نقش دولت به عنوان یک بازیگر در تحویل خدمات ISP تعهدات بازیگران خصوصی را محدود می کند که متوجه می شوند بازی ناعادانه ای آغاز شده است.

خلاصه کلام، به منظور توسعه اینترنت، باید شماری از مسایل مربوط به مدیریت و کنترل اجتماعی حل شوند. در ترازوی سنجش، سوریه، تونس و عربستان سعودی در کفه محدود کنندگان و کویت، ترکیه، لبنان و مغرب در کفه دیگر قرار گرفته اند. به هر حال، اغلب این کشورها در انتهای محدود کننده زنجیره رشد اینترنت قرار دارند و حتی توسعه یافته ترهای آن (بر حسب کاربران اینترنتی به استثنای امارات متحده عربی) از کشورهایی چون مالزی به عنوان یک کشور مهمان خارج از منطقه MENA عقبتر هستند.

با تکیه بر این پیش زمینه فکری، مورد مالزی بسیار آموزنده است که چندین سال با بهره گیری از همه امکانات (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) شبکه (web) را راه اندازی کرده است. همان گونه

که مشاهده کردیم، بر حسب شمار «میزبانان» نصب شده اینترنت، رشد اینترنت مالزی ۴۶ برابر میانگین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. بررسی این مورد از این دیدگاه نیز آموزنده است که توسعه دهندگان ابر دالان رسانه های همگانی مالزی برای استفاده از اینترنت (با همه تبعات آن) اصولی عقلانی را مدنظر قرار داده اند و در همان حال جنبه های منفی در این مسیر را نیز بررسی کرده اند. بنابراین، مالزی الگویی پیشتاز، نه تنها برای جهان مسلمان بلکه برای همه کشورهای رو به رشد محسوب می شود.

#### ابر دالان رسانه های همگانی مالزی

مالزی خود را به ایجاد زیر ساختار داخلی متعهد کرده است که آن را «ابر دالان رسانه ای» (MSC) می نامد. MSC در برگیرنده یک مکان فیزیکی و یک «سایبر اسپیس» الکترونیکی است که دولت مالزی در ۱۹۹۶ متعهد شد آن را بسازد. با ایجاد ابر دالان، مالزیایی ها دسترسی کامل، ملی و بین المللی، به اینترنت خواهند داشت. MSC به عنوان یک ابر دالان با خطی به



عرض ۱۵ کیلومتر و طول ۵۰ کیلومتر از کوالالمپور به سمت جنوب به فرودگاه بین‌المللی و دو شهر جدید سایبرجایا و پوتراجایا شروع شد. شهر اخیر که مراکز جدید دولتی در آن قرار دارند، در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۹ به روی عموم باز شد. سایبرجایا، «مرکز بازرگانی الکترونیکی» جدید، به طور رسمی در ۸ جولای ۱۹۹۹ گشایش یافت. بین شهرهای جدید و کوالالمپور، فیبر نوری با سرعت و ظرفیت بالای اینترنت کار گذاشته شده است. در این دالان، مالزیایی‌ها همه فناوری و نقاط دسترسی را فراهم می‌کنند تا هر فرد، نهاد آموزشی، یا شرکت تجاری بتواند به شبکه دسترسی کامل داشته باشد. آشکار است که مالزی به عنوان کشوری روبه رشد، از همه منابع برای نصب همه زیرساختارهای فناورانه‌ای که برای اتصال همه کشور به اینترنت مورد نیاز است، برخوردار نیست. در نتیجه، توسعه این دالان بیانگر تجربه اجتماعی محدودی است که وعده می‌دهد مالزی به بخشی از اقتصاد عصر اطلاعات، تبدیل خواهد شد که در آن جریان آزاد اطلاعات از هر نوع، منابع اساسی را برای توسعه و بازدهی اقتصاد

فراهم می‌آورد. رهبری مالزی می‌داند که فکر پیوستن به «جامعه اطلاعاتی» جهانی، قلمروی بی‌پایان و ناشناخته است، و از این رو، ایجاد دالانی برای دسترسی نامحدود به شبکه جهانی نوعی رویارویی تجربی با رهیافتی نوین است و همچنین این آگاهی وجود دارد که مسئولان مذهبی و غیر مذهبی (سکولار) نمی‌توانند نتیجه این ماجراجویی را پیش‌بینی کنند. به هر حال، مسئولان سیاسی مالزی تحت رهبری ماهاتیر محمد نخست‌وزیر سابق این کشور از این جهت از «سایبر اسپیس» و «عصر اطلاعاتی» حمایت می‌کردند.

در ورای این جهت اعتقادی، این ترس و نگرانی هم وجود دارد که با پیدایش اقتصاد عصر اطلاعاتی و جهان فراصنعتی، مالزیایی‌ها برای همیشه در چنان وضعیت رشد نیافتگی باقی می‌مانند که کشورهای رشد یافته به طور مستمر در آن صنایع غیر جذاب «وروبه افول» را تزریق می‌کنند. بنابراین، مالزیایی‌ها به منظور دستیابی به وضعیت یک کشور کاملاً «پیشرفته» تا سال ۲۰۰۰ این راهکار فناوری پیشرفته را اتخاذ کردند و معتقد شدند که این امر آنان را قادر

می‌سازد تا در اوایل قرن ۲۱ به آستانه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فناوری برسند.

طبق بیانات رسمی، عملکرد و هدف

ابردالان رسانه‌ای، MSC، چنین خواهد بود:

● وسیله‌ای برای جذب شرکتهای

تراز اول فناوری به مسالزی، و توسعه صنایع بومی؛

● اوتوپییای رسانه‌ای فضایی مولد و

هوشمند را ایجاد می‌کند که در آن

زنجیره‌ای رسانه‌ای از کالاها و خدمات تولید

و به سراسر جهان تحویل داده خواهد شد؛

● جزیره‌ای آکنده از مزایا با

قابلیتهای خاص رسانه‌ای-فناوری،

زیرساختاری، نظام‌نامه‌ها، سیاستها و

سیستمهایی برای برتری رقابتی؛

● بستری برای اختراع، پژوهش و

دیگر تحولات چشمگیر رسانه‌ای؛

● جامعه‌ای جهانی پیشتاز جامعه

اطلاعاتی؛

● جهانی از خانه‌ها، شهرها، مدارس،

اوراق اعتباری و مشارکت هوشمند.

کل پروژه برای ۲۰ سال پیش‌بینی

شده که ادعا شده در پایان آن، مالزی رهبری

را در عصر اطلاعات به دست خواهد گرفت. تا

رسیدن به آن، باید فعالیتی سه مرحله‌ای صورت پذیرد:

### مرحله اول

در این مرحله شرکت توسعه

رسانه‌های جمعی (MDC) با موفقیت

ابردالان رسانه‌ای را تأسیس و گروه اصلی

شرکتهای تراز اول جهان را جذب می‌کند، و

هفت Flagship Applications را راه‌اندازی

خواهد کرد، چارچوب قوانین را تهیه می‌کند

و سایبرجایا و پوتراجایا را به عنوان نخستین

شهرهای هوشمند جهان به تثبیت می‌رساند.

### مرحله دوم

MDC پیش‌بینی می‌کند که در این

دوره، MSE را به دیگر شهرهای سایبر

درمالزی و جهان متصل خواهد کرد، و

شبکه‌ای از دالانها را تأسیس و خوشه دوم

شرکتهای تراز اول جهانی را ایجاد خواهد

کرد. همچنین معیارهای جهانی را در زمینه

Flagship Applications تهیه می‌کند،

قهرمان قوانین سایبر (Cyberlaws) در جامعه

جهانی خواهد بود و شماری از شهرهای

هوشمند متصل به یکدیگر را پدید می‌آورد.

## مرحله سوم

شرکت خصوصی ارتباطات راه دور خط پرشتاب را راه اندازی کرده اند که شمال و جنوب شبه جزیره مالزی را به MSC متصل می کند. در عین حال Mimos دارای چهار خط بین المللی از MSC به ژاپن، کانادا و دو تا به ساحل غربی آمریکا (به سان فرانسیسکو و لوس آنجلس) است. در تابستان ۱۹۹۹، خط ژاپن-مالزی پیوند پرتراکمی را برای کاربران در چین تأمین کرد. در کشور مالزی کافی نت ها در همه جا وجود دارند، و هزینه آنها برای خدمات اینترنت تنها ۵۰ سنت آمریکایی در سپتامبر ۱۹۹۹ در هر ساعت بود.

مسئولیت توسعه MSC با شرکت توسعه رسانه های همگانی است که یک رشته رهنمودها و ابتکارهای حقوقی را منتشر کرده که تضمین می کند هیچ چیزی روی اینترنت در MSC سانسور نمی شود. به همین ترتیب، مقررات سنتی مالکیت خارجی برای شرکتهایی که در MSC قرار دارند، لغو شده است. علاوه بر آن، شرکتهایی که مایلند در MSC حضور داشته باشند در روند تأسیس تنها با یک (۱) نهاد دولتی یعنی شرکت توسعه رسانه های

در مرحله پایانی، انتظار می رود که مالزی به جامعه دانش پایه تبدیل گردد و آزمایشگاه واقعی جهان برای رسانه های جدید و فناوری اطلاعاتی و مهد شمار بزرگی از شرکتهای رسانه ای بوده و خوشه ای از شهرهای هوشمند را داشته باشد که به بزرگراه اطلاعاتی جهانی متصل خواهد بود. بنابراین، به سکویی برای تشکیل دادگاه بین المللی عدالت سایبر تبدیل خواهد شد. همه اینها شاید آرمانی به نظر برسند، ولی در واقع MSC در تابستان ۱۹۹۹ که مالزی دستخوش آشوبهای اقتصادی و سیاسی ۱۹۹۸ بود، طرح احداث آن نه ماه از برنامه جلو افتاده بود. کابل اصلی فیبر نوری در مرکز MSC در جولای ۱۹۹۹ به طور کامل راه اندازی شد و خدمات اینترنت را با سرعت ۲٫۵ گیگابایت ولی با ظرفیت فنی ۱۰ گیگابایت ارائه داد. افزون بر آن، انستیتوی سیستمهای ریز الکترونیک مالزی یا Mimos یک خط با سرعت بالای ارتباطات راه دور را از پنانگ در شمال به سمت جنوب از طریق دالان MSC/کوالالامپور تا جنوبی ترین شهر، اجاره کرده است و چندین

همگانی سر و کار دارند. شرکتهای MSC به بازارهای بین المللی سرمایه دسترسی رایگان دارند.

بالاخره، MDC با تشخیص کمبود «دانش آموختگان» در مالزی «مبادله دانش آموختگان» را به راه انداخته است. «دانش آموختگان» به کسانی اطلاق می شود که «با استفاده از فناوری الکترونیک و ابزار رایانه ای. اطلاعات و دانش را خلق، گردآوری، دستکاری و توزیع می کنند». در همان حال، MDC جابه جایی «دانش آموختگان» را در مالزی و به خارج مجاز شمرده است؛ زیرا می داند که مالزی توانایی عرضه شمار عظیم کاربران مورد نیاز جامعه عصر نوین اطلاعاتی را که براساس استفاده از فناوری اطلاعاتی استوار است، ندارد. برآورده شده است که تا سال ۲۰۰۳، ۳۲ هزار نفر دیگر از این دانش آموختگان مورد نیاز خواهد بود که ۲۰ درصد نیروی کار را تشکیل می دهند. برای رویارویی با کمبود شدید نیروی کار در آینده، یک دانشگاه رسانه ای با ۵۰۰۰ دانشجو تأسیس شده است. این مؤسسه خصوصی که قصد دارد شمار دانشجویان را به ۸۰۰۰ تن برساند،

اکنون تنها ۵ درصد از دانش آموزان نخبه پیش دانشگاهی را می پذیرد و آنان را تحت تعلیم فشرده در زمینه ریاضیات و علوم قرار می دهد تا آموزش اصلی در «کسب مهارتهای جدید» را آغاز کنند.

بدین ترتیب به نظر می رسد که مالزی با همسایگان در صلح و صفا به سر می برد و چندان «فساد فرهنگی» ناشی از ورود شهروندان خارجی برای پیوستن به جامعه اطلاعات پایه جنوب شرقی آسیا نیست. به واقع، مسئولان مالزیایی خود را «کوره ذوب» مالایایی ها، چینی ها و هندی ها تلقی می کنند و فرصت یگانه ای را در سرویس دهی به مجموعه وسیعی از اقوام نژادی گوناگون - بیش از یک میلیارد چینی در چین، حدود همین تعداد هندی در شبه قاره و همچنین ۲۰۰ میلیون اندونزیایی که دارای زبان، دین و جههان بینی مشابه مالزیایی ها هستند - فراهم می آورند.

افزون بر این ملاحظات راهکاری، مجموعه ای از مقالات سیاسی، اجتماعی و پیامدهای اقتصادی نوشته و در اختیار مخاطبان گوناگون در مالزی و جنوب شرقی آسیا از جمله ژاپن گذاشته شده است. این

مقالات که یکی از شرکت کنندگان اصلی در پروژه توسعه ابردالان رسانه‌ها آنها را نوشته است، پی‌آمدهای جامعه شناختی را مورد تأکید قرار می‌دهد، و نشان می‌دهد که مالزیایی‌ها تا چه میزان به پیامدهای وسیعتر سیاسی، اقتصادی و جهانی پروژه خود اندیشیده‌اند. در این راستا، آنان از دیگر مسلمانان در خاورمیانه، شمال آفریقا و مناطق دیگر پیشی گرفته‌اند.

### بینشهایی از جامعه اطلاعاتی

از یک دیدگاه، پروژه MSC طرحی نو است که می‌کوشد از تغییر شگرف در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که ما به آن «جهانی شدن» می‌گوییم، بهره‌برداری کند. همان گونه که بیشتر اشاره شد، همه جهان به سرعت در یک نظام واحد ارتباطاتی، و مهمتر از آن، در یک نظام اقتصادی واحد ادغام می‌شود. آنچه این امر را امکان‌پذیر ساخته، اینترنت و چیزی است که معمولاً به آن «فناوری اطلاعاتی» می‌گوییم. این تحول نیز آشکارا «اقتصاد برپایه اطلاعات» جامعه «عصر اطلاعات» را پدید آورده است.

دکتر الزمان، اندیشمند مالزیایی در

مقاله «پیش به سوی استفاده هوشمندانه‌تر از هوش انسانی» به امکانات فنی فناوری اطلاعاتی و توانایی فناوری جدید در تقویت ظرفیت انسانی، ارزشهای انسانی و رفاه اقتصادی - که به نظر می‌رسد مهمترین علاقه او به شمار می‌رود - اشاره می‌کند. او درباره شگفتیهای فنی شکل‌های نوین دیجیتالی ارتباطات به «کلید نگرپونته (Negroponte)» اشاره می‌کند که به اطلاعات دیجیتال اجازه می‌دهد از طریق ماهواره‌ها به هوا بروند، و از هوا به زمین باز گردند. به نظر او می‌توان تحرک کامل و بدون وقفه ارتباطات رسانه‌ای را به معنای کامل کلمه از هر کس، به هر جا، در هر زمان و هر چیزی پیش بینی کرد. الزمان در این پیشرفت صرفاً فنی شماری از پی‌آمدهای ریشه‌ای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مشاهده می‌کند. برای نمونه:

«مالکیت گسترده ابزار پردازش اطلاعات و متن اطلاعاتی به روشهای نوین سبب دموکراتیزه شدن جوامع می‌شوند. با این انتقال و سیعتر و سریعتر اطلاعات، جوامع، به طور کلی، شاهد تقسیم بیشتر حقوق و مسئولیتها خواهند بود. شرکتهای دیگر قادر نخواهند بود به شکل تشکیلات

سلسله مراتبی، که تصمیمات از بالا گرفته می‌شوند، اداره شوند. حتی دولتها نیز دیگر توانایی آن را نخواهند داشت که بر موضوعات مهم ملی در این روند دموکراتیزه شدن با هجوم فناوری اطلاعاتی انحصار مطلق داشته باشند.»

در همان حال، الزمان درک می‌کند که فناوری به خودی خود همه مسایل را حل نخواهد کرد، اما ما به عنوان بازیگران احتمالی باید ابتکاری مثلاً نوعی «کشمکش اجتماعی» در واکنش به «فشار فناوری» را برای ایجاد جامعه‌ای اطلاعاتی که مایلیم در آن زندگی کنیم، به وجود آوریم. او به صراحت می‌گوید که انقلاب فناورانه یک تغییر تمثیلی است که اساساً پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود.»

از دیدگاه صرفاً اقتصادی، سه محور زمین، کار و سرمایه دستخوش تغییری شگرف شده است. اکنون منبع ارزشی زیربنایی نه زمین و نه کار، بلکه «اطلاعات» است. همین تغییر معاصر است که زمینه پیدایش «نظریه جدید رشد» را در اقتصاد و به ویژه در آثار اقتصاددان آمریکایی، پل رومر،

فراهم آورده است. همچنین گزارش اخیر بانک جهانی - دانش برای توسعه - از همین استدلال حمایت کرده است همان گونه که دکتر الزمان اشاره می‌کند:

«ارزش اقتصادی و اجتماعی به نحوی فزاینده از داراییهای انسانی منتج خواهند شد. فراست و خلاقیت مردم وضعیت اقتصادی و سیاسی همه ملتها را رقم خواهد زد. از این پس خلق و کاربرد دانش و فناوری نوین سطح رقابتهای صنایع آنان را تعیین خواهد کرد.»

اساس این نظریه، بینش ژرفتری است که «اندیشه‌ها کالا هستند» و از آنجا که ضد اندیشه‌ها را پایانی نیست، پس قانون به اصطلاح کاهش بازده‌ها مردود است.

علاوه بر آن، الزمان معتقد است که برداشتهای گوناگونی از «جامعه اطلاعاتی» وجود خواهد داشت: همان طور که فرهنگها، زبانها و تمدنهای فراوانی وجود دارند، انواع مختلفی از جامعه اطلاعاتی نیز وجود خواهد داشت. هر جامعه به «ساختار اطلاعاتی» خاص خود نیاز دارد. یک زیر ساختار فنی به اضافه انسانی که توان انسان برای دسترسی اطلاعاتی را به حداکثر می‌رساند و کالاها

خدمات با ارزش افزوده ایجاد خواهد کرد. افزون بر آن، دکتر الزمان خاطر نشان می‌سازد که با یک بازار جهانی براساس جریان اطلاعات، افراد، شرکتها و دولتها می‌توانند به اطلاعات را مورد نیاز خود از هر سرویس دهنده، در هر جای دنیا دسترسی داشته باشند. پیشتر، الزمان این تحول را با دور آروگونه از توافقه‌های گات و موضوع «تجارت پذیری» پیوند داده بود. با فرآورده‌های جدید اطلاعات پایه، خط بین کشورهای «اصلی و حاشیه‌ای» کمرنگ خواهد شد، و «خدمات متکی به فناوری اطلاعاتی اکنون می‌تواند در هر جا ایجاد شود و سپس در هر جا به مصرف برسد.» به نظر می‌رسد که همه تأمین کنندگان بومی بالقوه آگاهی یافته‌اند که باید در سطح تعیین شده با معیارهای بین‌المللی و جهانی، و نه یک کشور، رقابت کنند.

### چالشهای آینده

این انگاره از تحول اینترنت در مالزی از آن رو ارایه شد تا چالشهای عظیمی به معرض دید قرار گیرد که اکنون رویاروی همه کشورها و نه تنها کشورهای مسلمان یا

خاورمیانه، می‌باشد. مالزی به عنوان کشوری با اکثریت مسلمان، به فوریت آثار اینترنت را بر تحول اقتصادی خود مشاهده کرد و به سرعت راه را برای به کارگیری آن هموار ساخت. رهبران مالزی، آگاهانه، مجموعه‌ای تازه از فناوریهای پیشرفته اطلاعاتی را به عنوان موتور ی‌دکی رشد اقتصادی با این هدف برگزیدند تا به شکل کشوری کاملاً پیشرفته درآیند. در اوایل دهه ۱۹۹۰، نخبگان سیاسی و تجاری مالزی دریافتند که حتی توسعه کامل بخش تولیدی هم برای تبدیل مالزی به یک کشور کاملاً رشد یافته تا سال ۲۰۰۰، که هدف ماهاتیر محمد نخست‌وزیر بود، کافی نخواهد بود. برای رسیدن به آن هدف، رشد سالانه اقتصاد باید دست کم ۷ درصد باشد، از این رو به یک موتور جدید رشد نیاز بود. در نتیجه، به زبان اقصاء، مالزی تصمیم گرفت که صنایع براساس اینترنت را به بخشی مهم از نظام نوآوری ملی خود تبدیل کند. علاوه بر آن، چون توسعه سیستمهای ملی نوآوری پدیده‌ای بسیار جدید است، تلاشهای مالزی در این راستا واقعاً بی‌باکانه بوده است. بدین ترتیب، مالزی یک مورد استثنایی و الگویی

فریبنده است.

ولی نگرانیهای آشکاری نیز در زمینه استفاده سیاسی احتمالی از شبکه که بی تردید همه رهبران سیاسی در آن سهمیم هستند، وجود دارد. گرچه بررسی کاربردهای سیاسی از اینترنت به تازگی آغاز شده است، نشانه‌های نخستین حاکی از آن است که بسیاری از افراد از اینترنت برای عقاید سیاسی و ضد دولتی خود استفاده می‌کنند. برای نمونه، هیل و هیوز در تحقیق خود بر اساس تجزیه و تحلیل پیامهای ارسالی برای گروه خبری یک کشور، دریافتند که تنها به ۳۳ درصد از پیامها را می‌توان انگ «سیاسی» زد. از پیامهای با ماهیت سیاسی، حدود ۲۴ درصد پیامهای ضد دولتی و ۱۹ درصد از آنها به طرفداری از دولت بودند. از بین همه پیامهای ارسالی برای گروه Usenet، تنها ۸٫۵ درصد پیامهای ضد دولتی و حدود ۶٫۴ درصد نیز هوادار دولت بودند. از این نتایج چنین بر می‌آید با وجودی که اینترنت رسانه‌ای برای ابراز احساسات ضد رژیم است، پیامهای ضد دولتی بخش بزرگی از همه پیامهای ارسالی را تشکیل نمی‌دهند. پس مسئله به این صورت در

می‌آید، ابراز افکار سیاسی مردم به ویژه افکار مخالف تا چه حد می‌تواند بر دولتهای در حال گذار به دموکراسی اثر بگذارد، بدون آنکه آنها را سرنگون کند؟ در همان حال، هیل و هیوز دریافتند که همبستگی مهمی بین سطح پیامهای ضد دولتی آن کشور و دمکراتیزه کردن وجود دارد: با افزایش سطح دموکراسی، نرخ پیامهای ضد دولتی کاهش می‌یابد.

در نمونه برداری از کشتی‌های مسلمان، سطح پیامهای ضد دولتی نسبتاً بالا بوده، ولی هیچ گونه متغییری با سطح دمکراسی وجود ندارد؛ زیرا در نمونه‌ها از دموکراسی خبری نبوده است. در این راستا، تجربه اخیر مالزی از آشوب سیاسی ناشی از برکناری انور ابراهیم، معاون پیشین نخست‌وزیر، مورد جالب توجهی است. چون به رغم تهدیدهای اولیه دولت مالزی در مورد نظارت بر کافه‌های اینترنتی، از سوی دولت هیأت مدیره از بین مدیران کل همه شرکتهای تراز اول جهانی، از جمله Camq، مایکرو سافت، سان مایکرو سیستم (Sun Microsystems)، سیسکو سیستم (Cisco System) و همچنین جمعی از کارشناسان



بین‌المللی مشهور فناوری انتخاب شده‌اند. از این رو، رهبران مالزی دریافتند که مالزی اکنون در «جامعه شبکه‌ای» جدید و نظام اقتصاد جهانی قرار گرفته است. بنابراین، می‌بایست به تعهدات خود در زمینه آزادی توسعه اقتصادی از طریق استفاده از فناوری اطلاعاتی وفادار بماند. بنابراین، حتی در جریان بحران سیاسی پیرامون حول انور ابراهیم، دولت همه کاربران احتمالی را به استفاده از اینترنت تشویق کرد.

در زمینه عملی‌تر، نکته‌های فنی و

نیروی انسانی جدی وجود دارند. در سطح

فنی، اینترنت نمی‌تواند بدون یک سیستم

کارآی ارتباطات راه دور، و بدون کابل‌های با

باند پهن یا فیبر نوری شبکه‌بندی شده کار

کند. نصب چنین سیستمی گران تمام

می‌شود و دستیابی به این هدف تنها با

جذب منابع صنایع امکان‌پذیر است.

خصوصی‌سازی، و سپس اجازه دادن به

صنایع خصوصی برای در اختیار گرفتن

سیستم ارتباطات سیستم ارتباطات راه دور،

همان‌گونه که اشاره شد، مانعی بزرگ برای

کشورهای روبه‌رشد در همه جا به

شمار می‌رود.

افزون بر آن، تقاضا برای نیروی انسانی در اقتصاد جدید اطلاعات پایه، و دنیای اینترنت وحشتناک است. مالزیایی‌ها برای این چالش شیوه‌های مختلفی از جمله «مبادله دانش‌آموختگان» اتخاذ کرده‌اند. در همان حال، مالزیایی‌ها پژوهش در زمینه وضعیت فعلی منابع نیروی انسانی را در مالزی مجاز شمرده و گاه تشویق هم می‌کنند. براساس گزارش بانک جهانی، کاربران بسیار ماهر در مالزی فراتر از عرضه است.

### نتیجه

با ورود شبکه جهانی جدید و اقتصاد جهانی براساس فناوری اطلاعاتی، ما به درون عصر جدید اجتماعی و فرهنگی رهنمون شده‌ایم. اقتصاد جدید اطلاعات پایه در ایالات متحده و در جهان غرب استقرار یافته است. کشورهای رشد نیافته‌ای که مایلند به این اقتصاد نوین بپیوندند، بهای آن پذیرش، اتصال به اینترنت و شفافیت فعالیت‌های اقتصادی است. بسیاری از کشورهای رو به رشد، به ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا، از چنین شفافیتی در اطلاعات

اقتصادی برخوردار نیستند .

معیارهای والای زندگی لذت ببرند و از آزادی که مشارکت در نظام ارتباطاتی نوین جهانی در اختیار می گذارد، محروم خواهند شد.

همه اینها حاکی است که روابط بین علوم، فناوری و رشد اقتصادی و همچنین ساختارهای حقوقی و رشد اقتصادی باید در جوامع مسلمان و دیگر کشورها مورد بازنگری قرار گیرند. شاید مالزی در قلمرو حقوقی گوی سبقت را از دیگر کشورهای مسلمان ربوده باشد؛ زیرا توانسته است قوانین اسلامی را نوسازی کند، همه ساختارها و آیین دادرسی قوانین انگلو-امریکن را وارد آن کند، و اغلب نابرابریها براساس جنسیت را کنار بگذارد. در نتیجه، جنبش سیاسی با اهمیت در مالزی وجود ندارد که خواستار تحمیل شریعت باشد.

گرچه اقتصاددانان از دهه ۱۹۵۰ بر اهمیت عوامل فناورانه به عنوان نهاده‌ها (Inputs) در فرآیند رشد اقتصادی تأکید کرده بودند، جدیدترین نتیجه از این نظریه «فناوری» را به گونه‌ای تعریف کرده است تا معنای آن «دستور عمل‌هایی برای ترکیب مواد خام» باشد. این می‌رساند که:

صرف نظر از همه مشکلات سیاسی و عملی که هر کشور در تلاش برای انتقال خود به اقتصاد اطلاعات پایه با آنها روبه‌روست، مورد مالزی چالش‌های بنیادی را آشکار می‌سازد که کشورهای رو به رشد در سراسر جهان باید با آنها روبه‌رو شوند. این چالشها از این واقعیت ناشی شده‌اند که اقتصاد جهانی به نحوی بنیادین تغییر شکل یافته، و همه فرا یافته‌های کهنه دربارہ عملکرد تجاری و همچنین عملکرد حکومت تغییر کرده‌اند. هنگامی که زیر ساختار (اینترنت) ایجاد شود هزینه‌های ورود به این اقتصاد نوین جهانی بسیار ناچیز خواهد بود و در دراز مدت، تنها جوامعی که با استفاده از تازه‌ترین فناوری اطلاعات وارد آن دنیای الکترونیکی شده‌اند، قادر خواهند بود به سطوح بالاتری از رشد رفاه دست یابند. مطمئناً فناوری اطلاعاتی جدید آن را امکان‌پذیر می‌سازد. آنهایی که وارد این بازار جدید اطلاعات پایه نشوند، برای همیشه مجبور به صدور مواد خام و کالاهای تولیدی سطح پایین، تولید کالاهای کاربر با ارزش اضافی اندک خواهند شد. آنها قادر نخواهند بود از

۱. اندیشه‌ها کالاهای اقتصادی هستند و ۲. تا زمانی که ملتها آن دسته از شرایط اجتماعی را تشویق می‌کنند که موجب خلاقیت و نوآوری می‌شوند، رشد اقتصادی نامحدود باقی خواهد ماند. این شرایط به آنچه من «حوزه عمومی» کاملاً باز (ولی بی‌انتها) می‌نامم که در آن همه افراد می‌توانند اندیشه‌های خود را ابراز کنند و اندیشه‌ها و منافع خود را بدون ترس و وا همه از سانسورهای سیاسی یا مذهبی دنبال نمایند، ارتباطی نزدیک دارد. از این گذشته، طبق دیدگاه الزمان شریف‌الدین، این کهکشانشان جدید از فناوری اطلاعاتی «ساختار سنتی قدرت متمرکز را به جوامع نامتمرکز و شبکه‌هایی همچون تار عنکبوت تغییر شکل داده و شکل‌های جدیدی از حکومت را می‌طلبد که در آن افراد قدرت یافته‌اند و دخالت دولت به نحو چشمگیری کاهش یافته باشد. «آرمان» الزمان چنین جامعه‌ای است:

جامعه‌ای خود تنظیمی، با دسترسی نامحدود به اطلاعات، مکانی را خواهد ساخت که در آن خرد حکم می‌کند و مردم فعالانه در تعیین سرنوشت خود مشارکت

می‌کنند و جامعه‌ای دلسوز را که در آن شأن انسانی سنگ زیر بنای حق جدایی ناپذیر افراد بر ضد فقر و گرسنگی است را تشکیل می‌دهد.

در سطح اقتصادی، به نظر می‌رسد که وجود این شبکه جدید ارتباطاتی برای رسیدن به بالاترین و کارآترین سطوح رشد اقتصادی و همچنین سیاسی ضروریست. به هر صورت، دلایل مناسبی برای این طرز تفکر وجود دارد که نوآوری علمی و فناورانه با یکدیگر و هر دو به رشد اقتصادی پیوند خورده‌اند. همان طور که پل رومر اشاره کرده است، در چند دهه آینده:

خصوصیاتی که یک منطقه جغرافیایی (یا شهر یا کشور) را از دیگری [از لحاظ اقتصادی] متفاوت خواهد کرد، کیفیت نهادهای عمومی خواهند بود. موفق‌ترینها، آنهایی خواهند بود که از شایسته‌ترین و مؤثرترین ساز و کارها برای پشتیبانی از منافع جمعی، به ویژه تولید افکار و اندیشه‌های نوبرخورد دارند. همین تفکیک شاق ایجاد شرایط فرهنگی و نهادین جهت خلاقیت و نوآوری است که بزرگترین چالش را رویاروی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

## کویت و تجربه حرکت به سمت دموکراسی

اسماعیل الشطی، الكويت و تجربة الانتقال إلى الديمقراطية، المستقبل العربي، عدد ۲۸۹، ص ۳۹-۱۱۵.

اسماعیل الشطی

رییس مؤسسه مطالعات استراتژیک

خلیج [فارس] کویت

ترجمه: عبدالرضا همدانی

قرار می دهد. این امر، به اساسی ترین وجه موضوعات کهنه سانسور را بار دیگر مطرح می کند، ولی اکنون وسیله مبادله به نحو فزاینده ای الکترونیکی شده است.

و بالاخره گفتنی است که مسایل مهم سیاسی آزادی بیان و دموکراسی در جهان مسلمان (و دیگر نقاط) در قرن ۲۱ در چارچوب رسانه جدید ارتباطاتی صورت می گیرد که ما به آن اینترنت می گوئیم.

مسئله دموکراسی در اندیشه غرب اهمیت بسزا و جایگاه والایی دارد و پژوهشگران علوم سیاسی، علوم اجتماعی، تاریخ و غیره به بررسی و تحلیل شرایط ایجاد کننده دموکراسی و عوامل تعیین کننده در حرکت جوامع به سوی دموکراسی پرداخته اند. در میان این افراد می توان به «گابریل آلموند» «لیپست»، «رابرت دال» و «روستو» اشاره کرد که به ترتیب زیر بر وجود ارزشها و فرهنگ سیاسی، سطح رفاه اقتصادی و حضور فعال نخبگان سیاسی برای نیل به دموکراسی تأکید نموده اند. اما این مطالعات و تحلیلها در حالی حرکت به سمت دموکراسی را مورد بحث قرار می دهند